

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی

حسین میر محمد صادقی

استاد دانشگاه شهید بهشتی

رسول عابد

دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران r.abed@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۴

چکیده

اجرای عدالت کیفری در سطح بین‌المللی - مانند اجرای عدالت کیفری در سطح ملی - در معرض رفتارهای مجرمانه‌ای قرار دارد که مانع اجرای عدالت در مسیر درست می‌شوند. برخی از دادگاه‌های بین‌المللی موردی در فرآیند دادرسی با چالش چگونگی رسیدگی به این جرائم روبرو شدند. قضات ایندادگاه‌ها صلاحیت رسیدگی به این جرائم را اینگونه توجیه می‌کردند که چون صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی را دارند پس اختیار محاکمه افراد اخلاص‌گر در دادرسی این جرائم را دارند؛ رویکردی که از سوی حقوقدانان مورد انتقاد واقع شد.

بر اساس چنین تجربه‌ای در حقوق جزای بین‌المللی، مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به «جرائم علیه اجرای عدالت» اختصاص یافته است که در این مقاله تلاش می‌کنیم به بررسی و تحلیل آن پردازیم. در قسمت اول، تاریخچه کوتاهی ارائه از موضوع ارائه می‌شود، در قسمت دوم به بررسی روند تصویب مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه و پیشنهادهایی که دولت‌ها در این باره ارائه نمودند، پرداخته می‌شود. در قسمت‌های پایانی، نمونه‌های جرائم علیه اجرای عدالت و شیوه رسیدگی به آن و موضوع همکاری دولت‌های عضو بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: اجرای عدالت، صلاحیت، فرآیند رسیدگی، اساسنامه دادگاه کیفری

بین‌المللی

هر یک از جرائم برای حمایت از ارزش‌های اجتماعی وضع شده‌اند. چنین حمایتی زمانی تامین می‌شود که نظام عدالت کیفری در بستری امن به محاکمه مرتکبان جرائم بپردازد و مجهز به ضمانت اجراهای لازم برای تنبیه کسانی باشد که در مسیر اجرای عدالت کیفری اخلال‌گری می‌کنند. ضرورت حمایت از فرآیند اجرای عدالت، جرم‌انگاری رفتارهایی با عنوان جرائم علیه اجرای عدالت را گریزناپذیر می‌سازد. اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در دادگاه‌های بین‌المللی نیازمند وجود حاکمیت قانون در فرآیند دادرسی است. بدین روی، در چند دهه اخیر، در محاکمه جرائم بین‌المللی (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷، ۴۱-۱۷)، ضرورت وجود جرائم علیه اجرای عدالت احساس شده است. در دیوان‌های موردی رسیدگی به جرائم بین‌المللی، مواردی از این دست جرائم را می‌توان مشاهده نمود. هر چند قانون منسجم یا موضوعه‌ای در آن زمان برای رسیدگی به این جرائم وجود نداشت، اما قضات این محاکم برای حفظ نظم دادگاه و با الهام از نظام کامن‌لا، اقدام به ایجاد صلاحیت ذاتی در رسیدگی به این جرائم نمودند و به محاکمه رفتارهایی پرداختند که در فرآیند رسیدگی این محاکم اخلال ایجاد می‌نمود و در نهایت منجر به این شد که در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی هم این موضوع مورد توجه قرار گیرد و درباره چگونگی رسیدگی به این جرائم و صلاحیت دادگاه، دو ماده ۷۰ و ۷۱ اساسنامه - با عنوان جرائم علیه اجرای عدالت و سوء رفتار در محضر دادگاه - به همراه قواعد ۱۶۲ تا ۱۶۷ آیین‌نامه قواعد دادرسی و ادله (از این پس آ.ق.د.) به جرم‌انگاری این جرایم در فرآیند دادرسی دادگاه کیفری بین‌المللی بپردازند.

قسمت نخست) روند تاریخی موضوع

تا قبل از تشکیل دیوان بین‌المللی نورنبرگ، هیچگونه اتهامی با عنوان «اهانت به دادگاه» که یکی از نمونه‌های جرائم علیه اجرای عدالت است، در حقوق بین‌المللی وجود نداشت. در یکی از دادرسی‌های دیوان نورنبرگ، اتهامی با عنوان اهانت به دادگاه علیه شاهد دادستان مطرح شد، اما رسیدگی به آن، به دادگاه کیفری ایالات متحده مستقر در نورنبرگ سپرده شد (Contempt of Court and Reprimands, 1949, 15 LRTWC 965-1039). اساسنامه دیوان‌های کیفری بین‌المللی رواندا و یوگسلاوی سابق هم اشاره‌ای به این جرم یا اختیار دیوان برای محاکمه آن نداشتند. با این حال، این قضات تصمیم به درج این موضوع در آیین‌نامه قواعد دادرسی و ادله گرفتند و قاعده ۷۷ آیین‌نامه این دیوان‌ها به موضوع جرم اهانت

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۹۹

به دادگاه پرداخت. این اقدام انتقادهای شدیدی در پی داشت؛ زیرا آیین‌نامه قواعد دادرسی و ادله نباید به عنوان ابزاری برای جرم‌انگاری به کار گرفته می‌شد.

ماده ۱۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق به قضات این اختیار را می‌داد که: «اقدام به تنظیم آیین‌نامه دادرسی و ادله نمایند تا قادر به انجام آیین دادرسی، تجدید نظرخواهی، استماع ادله، حمایت از قربانیان و شهود و سایر موضوعات مقتضی باشند.»

ماده ۱۴ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا هم محتوای مشابهی داشت: «قضات دیوان بین‌المللی رواندا باید برای هدایت فرآیند دادرسی، آیین‌نامه دادرسی و ادله‌ای تنظیم نمایند تا مرحله پیش از دادرسی، دادرسی، تجدید نظر، استماع ادله، حمایت از شهود و قربانیان و سایر موضوعات مقتضی دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق را با تغییرات ضروری به پیش ببرند.» اما هیچ یک از این مقررات اساسنامه، چنین اختیار صریحی به قضات نمی‌داد که از آیین‌نامه دادرسی و ادله به عنوان ابزاری برای جرم‌انگاری استفاده کنند. با این حال، هیات‌های قضایی این دیوان‌ها اصرار داشتند که باید به قضات این اختیار داده شود؛ زیرا چنین اموری در صلاحیت ذاتی این محاکم قرار دارد (Tadic (IT-94-1- A-R77) January 2000, Para 13&Beqa Beqaj (IT-03-66-T-R77) 27 May 2005& Jovic (IT-95-14/2-R77)30 August 2006). قضات تجدیدنظر آن دیوان‌ها معتقد بودند که هر دادگاهی دارای چنین اختیاری است، اختیاری که مبتنی بر کارکرد قضایی دادگاه است. زیرا این اطمینان باید فراهم شود که اجرای صلاحیت دادگاه در محاکمه جرائم بین‌المللی با مشکلی روبرو نمی‌شود و وظایف اصلی آن به خوبی تامین می‌شود (Silvia, 2007, 73). شعبه تجدیدنظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق درباره چگونگی رسیدگی به این جرائم در پرونده (Tadić IT-94-1-A-R77) مقرر می‌داشت:

«دیوان دارای صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به این جرائم است، صلاحیتی که ناشی از اجرای وظیفه قضایی است، تا اطمینان حاصل شود در اجرای صلاحیتی که صریحاً در اساسنامه مقرر شده، اخلاقی ایجاد نمی‌شود و کارکردهای قضایی دیوان در مسیری امن تامین می‌گردد. بنابراین، دیوان به عنوان یک نهاد بین‌المللی باید دارای اختیار ذاتی محاکمه رفتارهایی باشد که در فرآیند دادرسی اخلاقی ایجاد می‌کنند. میزان و محتوای این اختیار ذاتی، با مراجعه به منابع مرسوم حقوق بین‌الملل مشخص می‌شود (Schabas, 2010, 854).

اما پیش از همه این مسائل و مدت‌ها قبل، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در دو پرونده *Nuclear Tests case* (1974) و *Northern Cameroons case* (1963) درباره صلاحیت ذاتی نهادهای قضایی بین‌المللی چنین موضوعی را به رسمیت شناخته بود. دیوان در این دو پرونده اظهار داشت که هر نهاد قضایی بین‌المللی دارای صلاحیتی ذاتی است که وی را قادر می‌سازد: «هر گونه اقدام لازم را انجام دهد تا مطمئن شود که در اجرای صلاحیتش اخلاقی ایجاد نمی‌شود و ابزاری برای حل و فصل مناسب موضوعات مطروحه دارد...» (Judgment of 2 December 1963, ICJ Reports 1963, at 29). بر اساس نظر دیوان، چنین صلاحیتی ناشی از صرف دادگاه بودن به عنوان یک نهاد قضایی است و مبتنی بر اختیارات لازم برای تامین وظایف مهم قضایی می‌باشد (Judgment of 20 December 1974, ICJ Reports 1974, 259-260, ss 23). علاوه بر این، قلمرو اعمال چنین صلاحیت ذاتی باید با مراجعه به منابع حقوق بین‌المللی مشخص گردد (Schabas, 2010, 853).

چنین دیدگاهی این نتیجه را در پی دارد که دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی دارای صلاحیت ذاتی برای محاکمه رفتارهایی هستند که در فرآیند رسیدگی‌شان اختلال ایجاد می‌کنند؛ همان استدلالی که از سوی قضاات تجدید نظر دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق به کار گرفته شد. در پرونده میلان ووجین، قضاات اعلام کردند که اختیار محاکمه جرم «هانت به دادگاه» در صلاحیت ذاتی دیوان قرار دارد؛ صلاحیتی که مبتنی بر وظیفه قضایی آن دیوان است و این توانایی را به قضاات می‌دهد تا به محاکمه افرادی بپردازد که در اجرای عدالت اختلال‌گری می‌کنند (Bohlander, 2001, 101). و در ادامه افزودند: ضرورت دارد که دیوان برای تضمین فرآیند دادرسی، اختیار محاکمه افرادی را داشته باشد که مانع اجرای عدالت می‌شوند یا از فرآیند دادرسی سوء استفاده می‌کنند (Ibid).

اما هیچ یک از مقررات مرسوم حقوق بین‌المللی مقرر صریحی در این باره ندارد و آشکار است که این نحوه استدلال ناشی از حقوق بین‌المللی قراردادی^۱ است؛ برای نمونه، در بند ج ماده ۱۸ منشور دیوان بین‌المللی نورنبرگ مقرر شده بود که دیوان اختیار رسیدگی به هر گونه اختلال در نظم دادگاه را دارد و می‌تواند مجازات‌های مناسبی بر مرتکبان آن، از جمله اخراج متهم یا وکیلش از دادگاه، تحمیل کند؛ بدون اینکه آسیبی به حقوق آنان در فرآیند دادرسی وارد شود (Silvia, Opcit, 739). با این حال، تنها سه بار جرم «هانت به دادگاه»^۲ در

^۱. Conventional international law.

^۲. برای دیدن این پرونده‌ها ن.ک:

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۰۱

دادرسی‌های این دیوان ارتکاب یافت که آن‌ها هم - نه توسط دیوان بین‌المللی نورنبرگ بلکه - از سوی دادگاه‌های نظامی ایالات متحده رسیدگی شدند. این دیوان‌ها در نورنبرگ مستقر بودند و مطابق قانون شماره ۱۰ شورای کنترل متفقین^۱ به پرونده‌ها رسیدگی می‌کردند. علاوه بر استدلال‌های فوق، بسیاری از قضات دیوان‌های موردی اینگونه بیان کرده‌اند که اختیار محاکمه مرتکبان جرائم علیه اجرای عدالت، یکی از اصول پذیرفته شده در نظام کامن‌لا می‌باشد که در نظام‌های حقوق نوشته هم به صورت قانون موضوعه بازتاب یافته است.

بنابراین، با توجه به دیدگاه‌های بالا، می‌توان گفت که صلاحیت دیوان‌های موردی درباره جرائم علیه اجرای عدالت، موضوعی است که در اساسنامه آنان تصریح نشده است، بلکه این موضوع از یافته‌های پرونده‌های آنها در هنگام رسیدگی است؛ آنها قائل به صلاحیت ذاتی برای محاکمه افرادی هستند که در اجرای عدالت اخلال ایجاد می‌کنند. قلمرو این صلاحیت تا حدی است که اجرای صلاحیت اعطاء شده از سوی اساسنامه را تضمین کند. محتوای این صلاحیت نیز باید به مراجعه به منابع مرسوم حقوق بین‌المللی مشخص شود (Ibid, 739). به نظر می‌رسد استدلال‌های یاد شده برای به رسمیت شناختن چنین صلاحیتی نادرست است و هیچ‌گونه «صلاحیت ذاتی»^۲ در راستای انجام وظیفه قضایی برای تعقیب جرایم علیه اجرای عدالت وجود ندارد. همانند بسیاری از نظام‌های حقوقی ملی، چنین صلاحیتی تنها برای دادگاه‌های خاص و به موجب قانون ایجاد می‌شود. این نکته را باید در نظر داشت که عدم وجود قانون مشخصی درباره تعقیب این جرائم در اساسنامه این دیوان‌ها، منجر به مشکلات زیادی درباره کیفیت تشکیل هیات‌های قضایی صلاحیت‌دار برای محاکمه متهمان می‌شود؛ قضاتی که به چنین جرائمی رسیدگی می‌کنند باید چند نفر باشند و صلاحیت خود را از کدام منبع تحصیل

World War II Collections, Trials of War Criminals Before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10 (Green Series) October 1946, April 1949: US v. Karl Brandt, 27 June 1947, at 968-970; US v. Joseph Altstoetter, 17 July 1947, at 974 & 975, 978, 992; and US v. Alfried Krupp von Bohlen und Halbach, 21 January 1948, at 1003, 1005¹⁰⁰⁶, 1008, 1011.

¹ - Allied Control Council law No.10 of 20 December 1945.

². Inherent jurisdiction.

۱۰۲ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

کنند؟ علاوه بر این، تعقیب چنین جرائمی بار سنگین و پرهزینه‌ای را بر دوش دیوان یا دادگاهی قرار می‌دهد که اساساً برای امر دیگری تشکیل شده است: محاکمه جرائم بین‌المللی. هر چند، اکنون دیگر چنین چالشی درباره صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی وجود ندارد، زیرا اختیار تعقیب این دسته از جرائم به طور صریح به موجب مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه روشن شده است.

قسمت دوم) روند تاریخی تصویب مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه

در نهم دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به موجب قطعنامه‌ای کمیسیون حقوقی سازمان ملل متحد را موظف به تهیه پیش‌نویس اساسنامه‌ای برای تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی نمود. پنجاه سال پس از این تاریخ در هفدهم ژوئیه ۱۹۹۸ در شهر رم، ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت کننده در کنفرانس رم، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را امضاء کردند. (میر محمد صادقی، پیشین، ۳۵) پیش‌نویسی که از سوی کمیسیون حقوق بین‌المللی^۱ درباره دادگاه کیفری بین‌المللی تهیه شده بود، هیچگونه صلاحیتی برای دادگاه در رسیدگی به جرائمی چون شهادت دروغ پیش‌بینی نکرده، بلکه، صریحاً مقرر نموده بود که «دولت‌های عضو باید مقررات داخلی‌شان درباره شهادت دروغ را به حدی گسترش دهند که ادله ارائه شده از سوی اتباع‌شان را تحت پوشش قرار دهد و در تعقیب این جرائم با دیوان همکاری کنند و در موارد لزوم به تعقیب جرم شهادت دروغ بپردازند.» (Schabas, 2101, 854) همچنین، در این پیش‌نویس، اختیار حفظ نظم در جریان دادرسی^۲ برای قضات پیش‌بینی شده بود، اما جرائمی چون اهانت به دادگاه و سایر مصادیق جرائم علیه اجرای عدالت مورد توجه کمیسیون قرار نگرفته بود (ILC 1993 Working Group Report: 122)؛ چنین رویکردی ناشی از تاثیر کشورهای دارای نظام کامن‌لا بود که معتقد به صلاحیت ذاتی دادگاه‌ها در رسیدگی به این جرائم و حفظ نظم دادرسی از سوی دادگاه بودند. هنگامی که این پیش‌نویس در کمیته ویژه^۳ بازنگری شد، رویکرد دارندگان نظام حقوقی نوشته غالب شد و دیدگاه مذکور به کلی تغییر کرد، زیرا کمیته در موارد بسیاری اعلام نمود که جرم شهادت دروغ باید در اساسنامه جرم‌انگاری و توسط دادگاه تعقیب و رسیدگی شود. رسیدگی به این موضوع در اولین جلسات کمیته مقدماتی ادامه یافت و اختلاف نظام‌های بزرگ حقوقی درباره

1. International law commission.

2. Maintain order in the course of a hearing.

3. Ad Hoc Committee.

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۰۳

آن، منجر به این شد که دو رویکرد عمده در برابر هم صفا‌آرایی کنند (Triffterer, 2008, 1353).

رویکرد اول، رویکرد کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لا از جمله ایالات متحده آمریکا بود که در این زمینه پیشنهاد جرم‌انگاری رفتارهایی با عنوان «جرائم علیه تمامیت دادگاه»^۱ (Scheb, 375, 2012) را مطرح می‌کردند. این دسته از جرائم، شامل اعمال زیر می‌شد: شهادت دروغ، اعمال نفوذ ناروا، اخلال در اجرای وظیفه کارمندان دادگاه یا انتقام‌گیری از آنان، ایجاد مانع در اعمال وظایف دادگاه و اهانت به دادگاه (UN Doc. A/AC.249/WP.41) و (UN Doc. A/AC.249/L.2:26-27). رویکرد دوم که طرفداران آن از دارندگان نظام حقوقی رومی ژرمنی بودند، پیشنهاد جرم‌انگاری مصادیق مشخصی از جرائم علیه اجرای عدالت را داشتند. چنین پیشنهادی ناشی از ماهیت حقوقی آن نظام‌ها بود که بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌پافشاری می‌کرد (عابد، ۱۳۸۸، ۱۸۶). از آنجا که پیشنهادهای گوناگونی درباره این موضوع وجود داشت، سرانجام کمیته مقدماتی در متن نهایی، همه پیشنهادها را در هم آمیخت و جرائمی با عنوان «جرائم یا اقدامات علیه تمامیت دادگاه»^۲ را تصویب کرد (Schabas 2010, 855). اما، در کنفرانس رم، این مقررات به صورت چشمگیری بازنویسی شد و عنوان آن به «جرائم علیه اجرای عدالت» تغییر یافت و پیشنهاد کمیته مقدماتی به دو ماده تقسیم شد: یکی به جرائم علیه اجرای عدالت و دیگری به جرم سوء رفتار در محضر دادگاه پرداخت. همچنین، جرم «درخواست یا قبول رشوه از سوی کارمند دادگاه در ارتباط با وظایف رسمی» به متن اصلی اضافه و مقررات ویژه‌ای برای همکاری دولت‌ها در تعقیب و دادرسی این جرائم وضع شد (UN Doc. A/CONF.183/C.1/WGPM/L.2/ Add.7). در حقیقت، شرکت کنندگان در کنفرانس تلاش کردند که میان دو دیدگاه کامن‌لایی با رومی ژرمنی آشتی برقرار سازند و به همین دلیل است که ماده ۷۰ اساسنامه در بردارنده مصادیق مشخصی از جرائم و ماده ۷۱ حاوی یک عنوان کلی با مصادیق نامشخص می‌باشد.

¹. Offences against the integrity of the court.

². Offences or acts against the integrity of the court.

الف) تعقیب و تحقیق

تحقیق و تعقیب این جرائم مبتنی بر ابتکار و نظر دادستان است که بر اساس اطلاعات و مدارک رسیده از منابع موثق، تحقیقات خود را آغاز می‌نماید (قاعده (۱) ۱۶۵ آ.ق.د.ا). دادستان در تعقیب یا عدم تعقیب این جرائم دارای اختیار کامل است، زیرا ماده ۵۳ ا.د.ک.ب که در بردارنده الزام دادستان به تعقیب جنایات بین‌المللی است، درباره این جرائم قابل اعمال نیست. بند یک ماده ۵۳ ا.د.ک.ب مقرر می‌دارد: «دادستان موظف است پس از بررسی و ارزیابی اطلاعاتی که در دسترس او قرار می‌گیرد، شروع به تحقیق نماید.» از توجه به این بند مشخص می‌گردد که اساسنامه، اصل مقتضی بودن تعقیب در جرائم علیه اجرای عدالت کیفری را بر اصل قانونی بودن تعقیب ترجیح داده است. از همین روست که قاعده ۱۶۵ آ.ق.د.ا مقرر می‌دارد: «۱- دادستان می‌تواند در رابطه با جرائم ماده ۷۰ ا.د.ک.ب به میل خود یا بر مبنای اطلاعات رسیده از شعبات یا هر منبع قابل اعتماد دیگر، تحقیقات را شروع کند. ۲- مواد ۵۳ و ۵۹ اساسنامه و قواعد تحت پوشش آن (از قواعد دادرسی و ادله) اعمال نخواهد شد. ۳- ...».

بر اساس قاعده ۱۶۴ آ.ق.د.ا، جرائم علیه اجرای عدالت بعد از سپری شدن پنج سال مشمول مرور زمان می‌گردند، در حالی که جنایات مواد ۵ تا ۸ اساسنامه مشمول مرور زمان نمی‌شوند. همچنین، تشریفات تعقیب این جرائم مشابه با تشریفات تعقیب جنایات بین‌المللی می‌باشد، به استثناء ماده ۵۹ ا.د.ک.ب که ناظر بر بازداشت فرد در قلمرو دولت عضو است. در خصوص بازداشت نیز هر چند دادگاه می‌تواند اقدام به صدور قرار بازداشت نماید، اما دولت‌های عضو ملزم به اجرای این قرار نیستند، زیرا ماده ۵۹ در تعقیب جرائم ماده ۷۰ لازم الاجراء نمی‌باشد. با این حال، بر اساس قاعده ۱۶۹ آ.ق.د.ا، در مواردی که جرائم علیه اجرای عدالت در محضر دادگاه ارتکاب یابند، دادستان می‌تواند شفاهاً درخواست نماید که متهم فوراً دستگیر و بازداشت شود.

به دلیل ماهیت ویژه‌ای که این جرائم دارند، ممکن است شرایطی پیش آید که تعقیب جرم اتهامی و پیگیری آن توسط دادستان نامطلوب باشد؛ مانند مواردی که کارمند دفتر دادستانی یا خود دادستان مرتکب جرم شده است. در آ.ق.د.ا مقررهای درباره وظیفه دادستان در چنین شرایطی وجود ندارد. قضات دیوان‌های بین‌المللی موردی با چنین مشکلی برخورد داشتند و برای حل آن اقدام به ایجاد یک راه حل غیر رسمی نمودند که بر اساس آن، یک بازپرس یا

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۰۵

دادستان موقت^۱ جایگزین می‌شد (ماده ۷۷ اصول دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق)^۲.

پس از نظر دادستان، ادامه رسیدگی به این جرائم نیازمند تصمیم هیات رسیدگی مقدماتی^۳ است. ضرورتی ندارد که هیات، ادله دادستانی را به صورت حضوری استماع کند، بلکه می‌تواند تصمیم خود را مبتنی بر اظهارات و لوایح کتبی دادستان نماید. (بند ۳ قاعده ۱۶۵ آ.ق.د.ا) بر اساس قاعده ۱۶۵ آ.ق.د.ا، هیات رسیدگی می‌تواند همزمان به اتهام‌های ماده ۷۰ و اتهام‌های نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی رسیدگی کند.

ب) صلاحیت رسیدگی

در بیشتر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است که همه دادگاه‌ها صلاحیت برخورد با هرگونه اقدام مخلّ دادرسی و نظم دادگاه را دارند. حتی اگر در برخی نظام‌های حقوقی، دادگاه‌ها چنین صلاحیت گسترده‌ای نداشته باشند، بی‌شک می‌توانند شخصی را که مخلّ نظم دادرسی است، از دادگاه اخراج نمایند. در مقررات داخلی ایران نیز موادی در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری وجود دارد که مقرر می‌دارد قاضی دادگاه می‌تواند کسانی را که در نظم دادگاه اخلاص ایجاد می‌کنند به میزان مشخصی مجازات نماید. برای نمونه تبصره ۲ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری را می‌توان نام برد^۴ (عابد، پیشین، ۱۲).

^۱. Ad hoc investigator or prosecutor

با عنوان لاتین *Amicus curiae* به معنای داوطلب کمک به دادگاه.

^۲. Rules of Procedure and Evidence of the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, Rule 77(C) (ii). For an example, see: Brđanin (IT-99-36-R77), Order Instigating Proceedings against Milka Maglov, 8 May 2003.

^۳. Pre-Trial Chamber.

^۴. تبصره ۲ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در این زمینه مقرر می‌دارد: «اخلال نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص موجب غیرعلنی شدن محاکمه نیست و باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود ، رئیس دادگاه می‌تواند کسانی را که باعث اخلال نظم می‌شوند از یک تا پنج روز توقیف نماید ، دستور دادگاه قطعی است و فوری به اجرا گذارده خواهد شد. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی مفاد این تبصره را به اشخاصی که در دادگاه حاضرند یادآور می‌شود.»

همانگونه که گفته شد، آنچه قضات دیوان‌های بین‌المللی موردی جرم «اهانت به دادگاه» می‌نامیدند، با استناد به اختیار ذاتی این دیوان‌ها مورد تعقیب و رسیدگی قرار می‌گرفت. این جرم، در بردارنده «هر گونه فعل یا ترک فعلی است که به قصد اخلال در اجرای عدالت ارتکاب می‌یابد.» (همان، ۱۸۶). در این باره، دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق اعلام نمود: «دیوان صلاحیت ذاتی برای محاکمه اهانت‌های افرادی را دارد که عالماً و عامداً در اجرای عدالت قانونی اخلال‌گری می‌کنند» (Schabas, Op.cit).

هرچند ممکن است اختیار تعقیب این جرائم در یکی از اصول دیوان‌های بین‌المللی تصریح شود، که در چنین حالتی می‌توان صحبت از صلاحیت ذاتی رسیدگی کرد، اما باید خاطر نشان نمود که این دیوان‌ها چنین صلاحیتی را مستقل از مقررات خود در نظر می‌گرفتند (Ibid). به عبارت دیگر، خواه مقرراتی درباره جرائم علیه اجرای عدالت در اساسنامه‌شان وجود داشت خواه نه؛ دیوان اختیار محاکمه اعمال مخلّ این امنیت را داراست چون باید در بستر دادرسی امنی به فعالیت بپردازد. اگر قائل به اعتبار چنین استدلالی باشیم، باید بپذیریم که این تفسیر، اختیارات وسیعی را برای قضات دادگاه کیفری بین‌المللی فراهم می‌کند و آنها را قادر می‌سازد که به مقابله با رفتارهایی برخیزند که به طور صریح در مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه ذکر نشده است. قضاتی که اینگونه استدلال می‌کنند باید توجه داشته باشند که در دیوان‌های موردی، خود قضات اقدام به ایجاد صلاحیت رسیدگی به جرائم مذکور در آیین‌نامه دادرسی و ادله می‌کردند، اما در ا.د.ک.ب، مقررات روشنی در این باره تصویب شده است. بنابراین، تفسیر نادرستی است که در کنار عبارات صریح اساسنامه، این گونه استدلال کنیم که قضات اختیاراتی فراتر از عبارات اساسنامه در رسیدگی به این جرائم دارند؛ آن هم تنها به این دلیل که باید نظم دادگاه و امنیت فرآیند دادرسی را برقرار سازند.

اقدامات مجرمانه‌ای که در ماده ۷۰ اساسنامه آمده، ممکن است در خارج یا در خود دادگاه ارتکاب یابند. تردیدی وجود ندارد که در هر دو صورت دادگاه صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. اما درباره صلاحیت رسیدگی به اقدامات مجرمانه ماده ۷۱ اساسنامه ابهاماتی وجود دارد. زیرا عنوان انگلیسی جرائم مذکور به روشنی بیان نمی‌کند که آیا سوء رفتارهای ارتكابی در خارج از دادگاه را نیز در بر می‌گیرد یا تنها شامل سوء رفتارهای ارتكابی در داخل دادگاه می‌شود؟ عبارت فرانسوی ماده از تفسیر دوم حمایت می‌کند؛ یعنی شامل رفتارهای ارتكابی داخل دادگاه می‌گردد. چنین تفسیری به موجب عبارت آغازین بند اول ماده نیز تائید می‌شود که مقرر

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۰۷

می‌دارد: «دادگاه می‌تواند اشخاصی را که در حضور آن ... مجازات نماید.»^۱ البته محدود کردن صلاحیت دادگاه در محاکمه سوء رفتارهایی که در حضور دادگاه ارتکاب می‌یابند، کاملاً مغایر با مقرراتی است که در دیوان‌های بین‌المللی موردی وجود داشت. در آن دیوان‌ها، قضاات خود را محدود به رفتارهای ارتكابی درون دادگاه نمی‌کردند؛ به استناد چنین تفسیری بود که دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در پرونده

دلیل انتشار یادداشتی که افشاکننده تصمیمات سری قضاات دادگاه تجدید نظر بود، تحت تعقیب قرار داد. به نظر می‌رسد اگر تفسیر مضیقی از عبارت ماده ۷۱ نماییم، سوء رفتارهای ارتكابی در خارج از دادگاه به موجب ماده ۷۱ اساسنامه قابل مجازات نخواهند بود.

درباره صلاحیت همزمان دادگاه کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های ملی در تعقیب جرائم علیه اجرای عدالت باید گفت که برخلاف صلاحیت تکمیلی دادگاه^۲ درباره جنایات بین‌المللی، این دادگاه است که نهایتاً در هر پرونده خاص درباره شیوه مناسب تعقیب و رسیدگی به جرایم علیه اجرای عدالت تصمیم می‌گیرد. قاعده ۱۶۲ آ.ق.د.ا در این زمینه مقرر می‌دارد:

«۱- پیش از تصمیم‌گیری درباره اعمال صلاحیت، دادگاه می‌تواند با دولت‌های عضوی که ممکن است در مورد این جرم صلاحیت داشته باشند، رایزنی نماید. ۲- ... و مسائل زیر را مد نظر قرار دهد: الف) سودمندی و موثر بودن تعقیب در دولت عضو؛ ب) شدت جرم؛ ج) وابستگی اتهامات مبتنی بر ماده ۷۰ اساسنامه با اتهامات مندرج در مواد ۵ تا ۸ اساسنامه؛ د) تسریع در دادرسی؛ ذ) ارتباط جرم با تحقیقات یا محاکمه در حال انجام در دادگاه؛ ر) ملاحظات مرتبط با ادله اثبات. - دادگاه توجه شایسته‌ای به درخواست دولت میزبان در مورد چشم‌پوشی از اختیار دادگاه برای اعمال صلاحیت (در مواردی که دولت میزبان استنباط می‌کند که چشم‌پوشی اهمیت ویژه‌ای دارد) معطوف خواهد کرد. ۴- در صورتی که دیوان تصمیم به عدم اعمال صلاحیت خود بگیرد، می‌تواند از یکی از دولت‌های عضو درخواست اعمال صلاحیت بر اساس بند ۴ ماده ۷۰ اساسنامه نماید.»

¹. The court may sanction persons present before it.

². Complementarity jurisdiction.

به کارگیری چنین شیوه‌ای در آیین‌نامه، به دادگاه اجازه می‌دهد که از تعقیب پرونده‌های جزئی که دادگاه‌های ملی نیز توان رسیدگی به آن را دارند، خودداری نماید. بنابراین روشن است که در چنین مواردی، هیچ‌گاه بین دادگاه کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های ملی تعارض صلاحیت ایجاد نمی‌شود. زیرا دادگاه کیفری بین‌المللی در چنین پرونده‌هایی صلاحیت اولیه در رسیدگی دارد، بنابراین مقدم بر دادگاه‌های ملی است. همچنین دولت‌ها متعهد شده‌اند که قوانین ملی خود را مطابق مقررات اساسنامه اصلاح نمایند، که در صورت انجام چنین اصلاحاتی، صلاحیت مقدم دادگاه بر دادگاه ملی در قوانین داخلی ذکر می‌شود. بر خلاف جنایات بین‌المللی، در مواردی هم که مرتکب جرم از تبعه دولت‌های عضو نمی‌باشد و جرم هم در قلمرو یکی از دولت‌های عضو ارتکاب نیافته است، دادگاه کیفری بین‌المللی باز هم صلاحیت رسیدگی خواهد داشت و می‌تواند مرتکب را مجازات نماید. همچنین اگر دادگاه کیفری بین‌المللی از تعقیب جرائم علیه اجرای عدالت صرف‌نظر نماید، دادگاه‌های ملی می‌توانند صلاحیت تعقیب و رسیدگی خود را اعمال نمایند.

ج) مقررات حاکم

واژه «جرائم»^۱ که در عنوان ماده ۷۰ به کار رفته، متفاوت از مفهوم «جنایات»^۲ است که به عنوان جنایات بین‌المللی در صلاحیت ذاتی دادگاه قرار دارد. در نتیجه چنین تفاوتی، بسیاری از مقررات ماهوی و شکلی حاکم بر جنایات بین‌المللی ماده پنج اساسنامه، ضرورتاً درباره جرائم علیه اجرای عدالت اعمال نمی‌شوند. این امر به طور ضمنی در بند ۲ ماده ۷۰ هم اشاره شده است. قاعده ۱۶۳ آ.ق.د.ا اعلام می‌کند: «۱- اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله با تغییرات لازم در مورد تحقیق، تعقیب و مجازات جرائم مندرج در ماده ۷۰ اساسنامه اعمال خواهد شد؛ مگر در مواردی که در بندهای ۲ و ۳ زیر، قاعده ۱۶۲ و قواعد ۱۶۴ تا ۱۶۹ به نحو دیگری مقرر شده باشد. ۲... ۳...» بنابراین، بخش دوم اساسنامه که درباره صلاحیت، قابلیت پذیرش دعوی و قانون حاکم می‌باشد، به استثناء ماده ۲۱ و همچنین قسمت عمده‌ای از بخش دهم اساسنامه در این خصوص قابل اجرا نیست. البته اصول و مقررات عمومی بخش سوم اساسنامه در دادرسی چنین جرائمی قابل اعمال است. قاعده ۱۶۸ آ.ق.د.ا هم که از مقررات قابل اجرا و حاوی قاعده منع محاکمه مجدد^۳ می‌باشد، چنین مقرر می‌دارد: «هیچ کس به خاطر یکی از جرائم مندرج در

¹. Offences.

². Crimes.

³. Double jeopardy.

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۰۹

ماده ۷۰ اساسنامه نزد دادگاه جلب نخواهد شد، به شرطی که قبلاً به وسیله دادگاه کیفری بین‌المللی یا دادگاه دیگری به خاطر آن رفتار محکوم یا تبرئه شده باشد.» بنابراین با توجه بهقاعده ۱۶۳ آ.ق.د. می‌توان گفت: قواعد ۱۶۹، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۶۷ و ۱۶۵ آ.ق.د. در تعقیب این جرائم اعمال می‌شوند. اما، الف) همه مقررات بخش دوم اساسنامه به استثناء ماده ۲۱؛ ب) ماده ۲۹؛ ج) مواد ۵۳ و ۵۹، البته این مواد در صورتی اعمال نمی‌شوند که دادستان به میل خود اقدام به تعقیب جرائم ماده ۷۰ نموده باشد؛ د) ماده ۷۷ به استثناء قرارهای صادره اموال ماده (ب) ۲) ۷۷ و قاعده ۱۴۷. ذ) قواعد ۱۴۵ و ۱۴۶؛ ر) و مقررات بخش دهم اساسنامه به استثناء مواد ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۹ و ۱۱۱ در تعقیب، تحقیق و رسیدگی جرایم علیه اجرای عدالت اعمال نمی‌شوند.

قسمت چهارم) مصادیق جرائم علیه اجرای عدالت کیفری و مجازات آن‌ها

الف) جرائم علیه اجرای عدالت و سوء رفتار در محضر دادگاه.

۱- مصادیق جرایم علیه اجرای عدالت

این جرائم به سه دسته تقسیم می‌شوند و عبارتند از: الف) شهادت دروغ؛ ب) اخلال در روند رسیدگی دادگاه؛ ج) رشاء. عباراتی که در تعریف این جرائم به کار رفته، عمدتاً ریشه در پیشنهادی دارد که از سوی ایالات متحده آمریکا در جریان جلسات کمیته مقدماتی مطرح شد (UN Doc.A/ AC.249/WP.41) و تردیدی وجود ندارد که چنین عباراتی از سوی دادگاه‌های آمریکا تفسیر و به کار گرفته شده‌اند، اما در سطح بین‌المللی سابقه یا رویه‌ای در تفسیر و مفهوم عباراتی چون جرم «اعمال نفوذ ناروا»^۱ وجود ندارد. پس شاید بتوان گفت که قضات دادگاه کیفری بین‌المللی برای فهم و تفسیر این جرائم می‌توانند به متون رسمی و حقوقی دادگاه‌های آمریکا در این زمینه مراجعه کنند.

دسته اول جرایم مندرج در ماده ۷۰ اساسنامه، درباره شهادت دروغ^۲ است که با این عبارت آمده است: «... الف) اداء شهادت دروغ در موردی که مطابق بند اول ماده ۶۹ الزام به بیان حقیقت وجود داشته باشد. ب) ارائه مدرکی که ارائه دهنده می‌دانسته دروغ یا جعلی هستند. ...». بنابراین، دادگاه هنگامی صلاحیت تعقیب متهم را دارد که او مطابق بند یک ماده ۶۹

^۱. Corruptly influencing.

^۲. Perjury.

اساسنامه ملزم به بیان حقیقت شده باشد. پس، چنانچه شاهدی بدون هشدار قبلی شهادت دهد، جرم مذکور محقق نمی‌شود^۱ (بند دوم قاعده ۶۶ آ.ق.د.ا). همچنین اگر طرف دعوی اقدام به ارائه ادله‌ای نماید که از دروغ بودن یا جعلی بودن آن آگاه است، دادگاه می‌تواند اقدام به تعقیب مرتکب نماید. بند یک ماده ۶۹ اساسنامه در این زمینه چنین مقرر می‌دارد: «هر شاهدی باید تا قبل از اداء شهادت مطابق آیین‌نامه اصول دادرسی و ادله، در خصوص واقعیت داشتن گواهی خود، سوگند یاد کند.» قاعده ۶۶ آ.ق.د.ا نیز در اجرای ماده ۶۹ اساسنامه مقرر می‌دارد: «۱- به استثناء آنچه که در بند ۲ بیان می‌شود، هر شاهدی باید بر اساس بند یک ماده ۶۹ اساسنامه، پیش از ارائه گواهی، سوگند زیر را یاد کند: «من سوگند می‌خورم که تمام حقایق را بگویم و جز حقیقت چیزی نگویم» ۲- ... ۳- پیش از ارائه گواهی، گواه باید از بزه مقرر در قسمت الف بند ۱ ماده ۷۰ اساسنامه مطلع گردد.»

دسته دوم جرائم مندرج در ماده ۷۰، شامل رفتارهایی است که می‌توان مانع سازی در مسیر اجرای عدالت نامید. این رفتارها عبارتند از: الف) اعمال نفوذ ناروا بر شاهد، مداخله یا ایجاد مانع برای شاهد یا اداء شهادت، انتقام‌گیری از شاهد به دلیل اداء شهادت؛ ب) تخریب، مداخله یا اعمال نفوذ در گردآوری ادله؛ ج) ایجاد مانع، ارباب یا اعمال نفوذ ناروا بر کارمند دادگاه با هدف ترغیب یا اجبار او برای عدم انجام وظیفه یا انجام امور غیر قانونی؛ د) انتقام‌گیری از کارمند دادگاه به خاطر وظایفی که از سوی او یا کارمند دیگری انجام شده است.

هر چند، ضرورت تعریف مفهوم «کارمند دادگاه» در جریان تهیه پیش‌نویس مطرح شد، اما اقدامی برای تعریف آن صورت نگرفت (UN Doc.A/ AC.249/WP.41, fn. 3). در هیچ یک از مقررات اساسنامه و آیین‌نامه هم تعریفی از مفهوم کارمند دیده نمی‌شود. یکی از حقوقدانان حقوق جزای بین‌الملل معتقد است که «دادگاه چند دسته «کارمند رسمی» دارد که عبارتند از قضات، دادستان، قائم مقام دادستان و مدیر دفتر و این واژه شامل افراد یاد شده و نمایندگان آنها می‌شود.» (Triffterer, 2005, 1341) در نهایت، در دسته سوم جرائم ماده ۷۰، دادگاه می‌تواند جرم درخواست یا قبول رشوه توسط کارمندان دادگاه در ارتباط با وظیفه‌شان را تحت تعقیب قرار دهد. جرم مذکور در قسمت ر بند (۱) ماده ۷۰ تنها از سوی کارمندان دادگاه قابل تحقق است و شخص راشی باید بر اساس قسمت د بند یک ماده ۷۰ تحت

^۱ بر خلاف نظام‌های حقوقی ملی که اماره علم به قانون حاکم است و جهل به قانون رافع مسئولیت نیست، به نظر می‌رسد درباره جرم شهادت دروغ، چنین جهلی رافع مسئولیت است و حتی اگر متهم آگاه بر آن باشد، وظیفه دادگاه در اعلام هشدار به متهم از شرائط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم شمرده می‌شود.

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۱۱

تعقیب و مجازات قرار گیرد. کارمندی که مرتکب جرم مذکور شده است، بر اساس مواد ۴۵ و ۴۶ اساسنامه در معرض اقدامات انتظامی موقت و اخراج از دفتر نیز قرار می‌گیرد. (Schabas, op.cit, 859)

۲- سوء رفتار در محضر دادگاه

مفهوم «سوء رفتار در محضر دادگاه» موضوع ماده ۷۱.د.ک.ب که دارای مصادیق فراوانی است، تعریف نشده است، اما به نظر می‌رسد آیین‌نامه دادرسی و ادله آن را معادل «اخلال در دادرسی دادگاه»^۱ می‌داند (بند الف قاعده ۱۷۰). این جرم شامل سرپیچی از دستورات دادگاه نیز می‌گردد. در چنین مواردی، باید به شخصی که ملزم به پیروی از دستورات دادگاه است، هشدار داده شود که در صورت سرپیچی تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. ضمانت اجرای موجود می‌تواند شامل دستور ترک یا اخراج از دادگاه تا ممنوعیت از حضور در دادرسی، تحمیل جریمه - و درباره کارمند رسمی دادگاه، وکیل مدافع یا نماینده قانونی بزه‌دیدگان شامل - محرومیت از انجام وظیفه در دادگاه گردد (قواعد ۱۷۰ و ۱۷۱). روند صدور چنین احکامی به صورت کاملاً اختصاری می‌باشد و شامل قراری است که از سوی رئیس دادگاه صادر می‌شود، هر چند بر اساس بند ۵ قاعده ۱۷۱ آ.ق.د.ا، شخص مجرم این فرصت را خواهد داشت تا قبل از اینکه مجازاتی بر او تحمیل شود از خود دفاع نماید. باید به این نکته توجه داشت که اقدام مجرمانه متهم با رعایت ماده ۶۳ اساسنامه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.^۲

^۱. Disrupting the proceedings of the court.

^۲. ماده ۶۳ اساسنامه مقرر می‌دارد: ۱- متهم باید در خلال محاکمه حضور داشته باشد. ۲- اگر متهم با حضور در جلسه اقدام به اخلال در محاکمه کند، شعبه بدوی می‌تواند متهم را اخراج کند و در صورت لزوم، ترتیباتی را مقرر نماید که وی بتواند خارج از شعبه و با استفاده از فن آوری ارتباطی، جریان محاکمه را مشاهده و توصیه‌های لازم را به وکیل مدافع خود بنماید. چنین تدابیری فقط در شرایط استثنائی پس از آنکه راه حل منطقی جایگزین دیگر ناکافی تشخیص داده شد و فقط به مدت لازم اعمال خواهد شد.»

قواعد ۱۷۰ آئین‌نامه قواعد دادرسی و ادله در اجرای ماده ۶۳ اساسنامه مقرر می‌دارد: «با توجه به بند دو ماده ۶۳ اساسنامه، رئیس شعبه بدوی می‌تواند پس از اخطار الف) دستور دهد شخصی که در رسیدگی دادگاه اخلال ایجاد کرده، جلسه دادگاه را ترک کند یا اخراج شود؛ یا ب) در صورت تکرار سوء رفتار، دستور ممانعت از حضور شخص در دادرسی‌ها را صادر کند.»

۱۱۲ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

چنانچه، اقدامات مندرج در ماده ۷۱ منتهی به جرائم مقرر در ماده ۷۰ اساسنامه گردد، دادگاه مطابق ماده ۷۰ و آیین‌نامه اصول دادرسی و ادله به تعقیب آن خواهد پرداخت. قاعده ۱۷۲ آ.ق.د.ا مقرر می‌دارد: «اگر رفتاری که به وسیله ماده ۷۱ مقرر شده منتهی به یکی از جرائم مندرج در ماده ۷۰ اساسنامه شود، دادگاه بر اساس ماده ۷۰ اساسنامه و اصول ۱۶۲ تا ۱۶۹ آیین‌نامه اقدام خواهد نمود.»

ب) مجازات‌ها

ضمانت اجرایی که درباره جرائم علیه اجرای عدالت اعمال می‌شود باید مطابق با مقررات ماده ۷۶ اساسنامه باشد. ماده ۷۶ مقرر می‌دارد: «۱- در صورت محکومیت متهم، شعبه بدوی مجازات مناسبی را که باید بر محکوم علیه تحمیل شود، تعیین و ادله ارائه شده و مدافعات و اعتراف‌های به عمل آمده در جریان محاکمه را که مرتبط با مجازات باشند، مورد توجه قرار خواهد داد. ۲- جز مواردی که ماده ۶۵ اعمال می‌شود و قبل از ختم محاکمه، شعبه بدوی می‌تواند به میل خود و یا به درخواست دادستان یا متهم، جلسه دیگری را به منظور استماع ادله تکمیلی یا مدافعات مرتبط با مجازات برگزار نماید. ۳- در مواردی که بند دو اعمال می‌شود، هر دادخواستی بر اساس ماده ۷۵ در جریان جلسه تکمیلی مذکور در بند دو و در صورت لزوم در جریان جلسات دیگری استماع خواهد شد. ۴- مجازات باید در صورت امکان در حضور متهم اعلان شود.»

قاعده ۱۷۱ نیز مقرر می‌کند: «۱- در صورتی که سوء رفتار عبارت از خودداری عمدی از اجرای دستور شفاهی یا کتبی دادگاه باشد و با قاعده ۱۷۰ پوشش داده نشده باشد و در متن دستور مجازات نقض آن نیز ذکر شده باشد، رئیس شعبه رسیدگی کننده می‌تواند دستور ممانعت از حضور شخص مذکور از دادرسی‌ها را حداکثر به مدت سی روز صادر کند و در صورتی که سوء رفتار ماهیتاً شدید باشد، جزای نقدی تعیین کند. ۲- در صورتی که مرتکب سوء رفتار موصوف در بند یک، از کارمندان دادگاه یا وکیل مدافع یا نماینده قانونی قربانیان باشد، رئیس شعبه رسیدگی کننده می‌تواند دستور محرومیت وی از انجام وظایفش نزد دادگاه را نیز حداکثر به مدت سی روز صادر کند. ۳- در صورتی که رئیس دادگاه در موارد مندرج در بندهای یک و دو فوق، چنین برداشت نماید که مدت زمان ممانعت بیشتری مناسب تر است، می‌تواند موضوع را به هیات رئیسه ارجاع دهد. هیات رئیسه می‌تواند جلسه مقدماتی برای تصمیم‌گیری در این مورد که آیا دستور محرومیت طولانی‌تر یا همیشگی را صادر کند یا خیر تشکیل دهد. ۴- جریمه تعیین شده بر اساس بند یک نباید بیش از ۲۰۰۰ یورو یا ارزش معادل آن بر اساس پول‌های رایج باشد، با این شرط که در موارد استمرار سوء رفتار، به ازای هر روز استمرار سوء رفتار ممکن است جریمه جدیدی وضع شود و این جریمه‌ها قابل جمع خواهد بود. ۵- پیش از اینکه مجازاتی برای سوء رفتار به نحو معین شده در این قاعده اعمال شود، به متهم فرصت دفاع داده خواهد شد.»

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۱۳

اساسنامه درباره کیفر جرائم علیه اجرای عدالت در ماده (۳) ۷۰ مقرر می‌دارد: «در صورت محکومیت، دادگاه می‌تواند حداکثر پنج سال حبس یا جزای نقدی بر اساس آیین‌نامه اصول دادرسی و ادله یا هر دو مجازات را تعیین کند.» امکان تحمیل جریمه‌های مالی برای هر جرم یا اتهام مستقل وجود دارد، اما مجموع مبالغ آن نباید بیش از پنجاه درصد دارایی‌ها محکوم باشد، میزان پنجاه درصد دارایی، بعد از کسر مبلغ مناسبی که نیازهای مالی محکوم و بستگانش را تامین کند، محاسبه می‌شود. مهلت مناسبی^۱ برای پرداخت جریمه به محکوم داده می‌شود و چنانچه وی از پرداخت آن استنکاف نماید، زندانی می‌شود (بند چهار و پنج قاعده ۱۶۶). به عبارت دیگر، در صورتی که محکوم علیه از پرداخت جریمه نقدی بر اساس شرایط مندرج در بند ۴ خودداری نماید، دادگاه می‌تواند اقدامات مقتضی بر اساس قواعد ۲۱۷ تا ۲۲۲ و مطابق ماده ۱۰۹ اساسنامه انجام دهد. در مواردی که عدم پرداخت عمدی جریمه استمرار داشته باشد، دادگاه به میل خود یا به درخواست دادستان به شرط اینکه قانع شود تمام اقدامات اجرایی بی‌نتیجه بوده است، می‌تواند به عنوان آخرین راهکار، بر اساس بند ۳ ماده ۷۰ اساسنامه و با توجه به مبلغ جزای نقدی، مستنکف را برای مدت معینی حبس کند. مقررات آیین‌نامه دادرسی و ادله مقرر می‌دارند که گزینه ضبط و مصادره اموال نیز از موارد انتخابی دادگاه می‌باشد، هر چند چنین گزینه‌ای برای جرائم علیه اجرای عدالت در مقررات اساسنامه پیش‌بینی نشده است اما قاعده ۱۶۶ آ.ق.د.ا نیز مقرر می‌دارد این قاعده در صورتی اعمال خواهد شد که دادگاه مجازات‌هایی برای جرایم ماده ۷۰ اساسنامه تعیین کند.

قسمت پنجم) همکاری دولت‌های عضو درباره جرائم علیه اجرای عدالت کیفری

در تعقیب جرائم علیه اجرای عدالت کیفری، مقررات ا.د.ک.ب از دولت‌های عضو می‌خواهد که هرگونه همکاری لازم را با دادگاه انجام دهند و قوانین ملی خود را در راستای تسهیل این همکاری‌ها اصلاح نمایند. بنابراین، دولت‌های عضو اساسنامه در راستای همکاری با دادگاه، باید اطمینان دهند که مقررات کیفری ملی‌شان به گونه‌ای است که جرائم علیه اجرای عدالت مندرج در اساسنامه - که از سوی تبعه آنان یا در قلمروشان ارتکاب می‌یابد - را تحت پوشش قرار می‌دهد. بند ۴ ماده ۷۰ ا.د.ک.ب این نکته را به دولت‌ها خاطر نشان می‌سازد که در تعقیب جرائم علیه اجرای عدالت با دادگاه همکاری نمایند؛ «هر زمانی که مناسب باشد» دولت عضو

^۱. Reasonable period.

موظف است به درخواست دادگاه، پرونده را برای رسیدگی و تعقیب به مراجع قانونی ملی خود ارجاع دهد. در همین راستا، قاعده ۱۶۷ آ.ق.د.ا مقرر می‌دارد که دادگاه می‌تواند از دولت‌ها درخواست نماید که هرگونه همکاری بین‌المللی یا معاضدت قضایی را مطابق بخش ۹ اساسنامه درباره جرائم ماده ۷۰ انجام دهند. نکته مهم این است که اصل مذکور به دولت اشاره دارد نه به دولت عضو. چنین تفسیری در جمله دوم ماده (۲) ۷۰ روشن‌تر می‌شود که مقرر می‌دارد: «شرایط همکاری بین‌المللی با دادگاه در رابطه با رسیدگی‌های این ماده به موجب قوانین ملی دولت مورد نظر تعیین می‌شود.» به نظر می‌رسد مفهوم عبارت چنین باشد که دادگاه می‌تواند چنین درخواست‌هایی را از همه دولت‌ها - حتی دولت‌های غیر عضو - بنماید. هر چند برای دولت‌های غیر عضو الزامی وجود ندارد که آن را بپذیرند.

بیشتر دولت‌های عضو پیش از تصویب اساسنامه، دارای مقرراتی بودند که جرائم علیه اجرای عدالت را جرم‌انگاری می‌نمود. قسمت الف بند ۴ ماده ۷۰ تنها پیشنهاد می‌کند که چنین قوانینی جهت هماهنگی با اساسنامه و برای تحت پوشش قرار دادن جرائم ماده ۷۰ اصلاح شوند. دولت‌های عضو باید اطمینان دهند که قوانین ملی‌شان، جرائم مذکور را در بر می‌گیرند.

در راستای انجام تعهدات یاد شده، فنلاند با اصلاح ماده ۱۲ قانون اصلاح قانون کیفری در ۲۰۰۸، تصریح نمود که واژه «دادگاه قانونی» مقرر در این ماده شامل دادگاه کیفری بین‌المللی و واژه «تعقیب کیفری» شامل تعقیب مندرج در اساسنامه هم می‌گردد. در استرالیا، قانون دادگاه کیفری بین‌المللی تصویب شد (International Criminal Court, Act 2002, No. 42, 2002)، که موجب اصلاح قانون کیفری داخلی شد و ماده‌ای برای جرائم علیه اجرای عدالت به آن اضافه شد. پروژ در قانون کیفری خود مقرر نمود که مواد ویژه‌ای از این قانون به جرائم مذکور در ماده ۷۰ اساسنامه اختصاص یابد. در کانادا مطابق تعهدات ماده ۷۰ جرائم جدیدی ایجاد شد. (مواد ۱۶ تا ۲۶ قانون کیفری کانادا). در نیوزلند (مواد ۱۴ تا ۲۳ قانون International Crimes and International Criminal Court مصوب ۲۰۰۰) آفریقای جنوبی (ماده ۳۶ Sought Africa penal code) و انگلستان (ماده ۵۴ قانون International Criminal Court مصوب ۲۰۰۱) مقررات جدیدی تصویب شد تا مطابق با تعهدات ناشی از ماده ۷۰ آ.ق.د.ا.ک.ب گردد.

نکته مهم مرتبط با قوانین ملی یاد شده این است که با توجه به بند ۴ ماده ۷۰ اساسنامه، چنین قوانینی باید قابلیت اعمال سرزمینی و فراسرزمینی داشته باشند؛ یعنی خواه این جرائم در قلمرو سرزمینی و از سوی تبعه دولت عضو و خواه در دادگاه یا خارج از قلمرو دولت عضو ارتکاب یابند، دولت عضو باید قادر به تعقیب و محاکمه آن باشد. در همین راستا، ماده ۱۴ قانون یاد شده نیوزلند مقرر می‌دارد که دادگاه‌های نیوزلند هنگامی صلاحیت رسیدگی به

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۱۵

جرائم ماده ۷۰ را دارند که یا رفتار مجرمانه در نیوزلند ارتکاب یابد یا متهم یکی از اتباع آن باشد. نمونه‌های دیگری از این دست را می‌توان در قوانین آرژانتین، نروژ، آفریقای جنوبی و انگلستان یافت (Schabas, Op.cit, 858).

علاوه بر فراهم کردن زمینه تعقیب و محاکمه این جرائم، هنگامی که دادگاه خود ابتدائاً به این جرائم رسیدگی می‌کند، دولت‌های عضو باید مقرراتی برای همکاری با دادگاه داشته باشند. چنین همکاری‌هایی شامل تسلیم اتباع متهم به دادگاه و فراهم کردن ادله وقوع یا عدم وقوع جرائم مذکور می‌باشد. شرایط چنین همکاری‌هایی به موجب قوانین ملی دولت مورد نظر تعیین می‌شود. البته، ممکن است قوانین و تشریفات مورد بحث، مشابه با سایر مقررات تحقیق و تعقیب کیفری اساسنامه باشند، و از همین روست که برخی از دولت‌های عضو به طور فراگیر و بدون اشاره خاص به جرائم ماده ۷۰ متعهد به همکاری با دادگاه شده‌اند و همین امر می‌تواند برای همکاری با دادگاه کافی باشد. این همکاری در حالی است که دولت‌های عضو باید قادر به همکاری کامل مطابق ماده ۸۶ اساسنامه درباره جنایات بین‌المللی باشند که مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو مطابق اساسنامه در انجام تحقیق و تعقیب جنایات‌های مشمول صلاحیت دادگاه، کمال همکاری را با دیوان به عمل خواهند آورد.»

برخی دولت‌ها مانند نیوزلند، مقرر و ویژه‌ای وارد قوانین ملی خود کرده‌اند که تصریح می‌کند چنانچه دادگاه کیفری بین‌المللی درخواست همکاری برای تعقیب و محاکمه جرائم مذکور در ماده ۷۰ نماید، این تقاضا باید مطابق مقررات بخش نهم اساسنامه انجام شود. (ماده ۲۳ قانون کیفری) کشور انگلستان مقررهای تصویب نموده است که به دادگاه‌های ملی اجازه می‌دهد به هر گونه تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی ترتیب اثر دهند. (بند ۲ ماده ۵۴ قانون دادگاه کیفری بین‌المللی انگلستان). سرانجام، دولت‌های عضو باید مقرراتی برای اجرای مجازات‌های اشخاص محکوم به این جرائم از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی فراهم نمایند. هر چند به این موضوع در اساسنامه اشاره نشده، اما قاعده ۱۶۳ آ.ق.د.ا. مقرر می‌کند که دولت‌ها می‌توانند به صورت داوطلبانه مجازات‌های زندان درباره جرائم ماده ۷۰ اجرا نمایند. مسلم است که دادگاه امکانات محدودی برای حبس دارد و احتمالاً برای پذیرش و نظارت بر اشخاص محکوم، به دولت‌های عضو متکی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با تصمیم جامعه جهانی بر مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی، موضوع رسیدگی به جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در حوزه حقوق بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت و به دلیل نوپایی، از پشتیبانی مقررات و رویه‌های قانونی بی‌بهره بود. قضات دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی، اختیار رسیدگی به این جرائم را در صلاحیت ذاتی خود می‌دانستند با این استدلال که اگر چنین اختیاری نداشته باشند، نمی‌توانند به درستی به محاکمه جنایات بین‌المللی بپردازند. چنین رویه‌ها و دیدگاه‌هایی بود که توجه شرکت‌کنندگان در کنفرانس رم را به این موضوع جلب کرد تا موادی از اساسنامه و آیین‌نامه دادرسی و ادله را به آن اختصاص دهند. در همین راستا، مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، رفتارهایی را با عنوان «جرائم علیه اجرای عدالت» و «سوء رفتار در محضر دادگاه» جرم‌انگاری نموده است و چگونگی رسیدگی به آن در قواعد ۱۶۲ تا ۱۷۲ آ.د.ا به تفصیل بیان شده است.

هرچند که با تصویب مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی، گام مهمی در راستای حل قانونمند این حوزه حقوقی برداشته شده است، اما حقوق کیفری بین‌المللی هنوز راه زیادی دارد تا به نحو شایسته‌ای در این حوزه قانونگذاری نماید؛ زیرا هیچ یک از مقررات اساسنامه، برای نمونه، جرائم ارتكابی در مرحله اجرای مجازات را تحت پوشش قرار نمی‌دهند. همچنین، ابهاماتی درباره صلاحیت رسیدگی وجود دارد. برای نمونه، اگر محکوم به حبس اقدام به فرار از زندان دادگاه کیفری بین‌المللی یا زندان یک دولت عضو نماید، کدام دادگاه صلاحیت رسیدگی خواهد داشت؟ از یک سو، اساسنامه مقرر صریحی ندارد و از سوی دیگر، چون مرتکب به موجب حکم یک مرجع بین‌المللی در زندان - ملی یا بین‌المللی - در بند است، پذیرش صلاحیت دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به چنین جرمی دشوار است. این‌ها، تنها نمونه‌ای از مشکلاتی است که دادگاه کیفری بین‌المللی و دادگاه‌های ملی را در آینده با چالش روبرو خواهد نمود.

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۱۷

فهرست منابع

– فارسی

- دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۷)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و سند نهایی کنفرانس رم. چاپ دوم، انتشارات روزنامه رسمی، تهران .
- عابد، رسول. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در نظام حقوقی ایران و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۸۵). مجموعه مقررات دیوان کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ اول، تهران .
- میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۷). دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ سوم، تهران .

– لاتین

A) Books

- Bohlander, Michael, (2001) **International Criminal tribunals and Their Power to Punish Contempt and False Testimony**, Criminal Law Forum 12: 91–118, Kluwer Academic Publishers, Netherlands,
- Keijer, N,) 2000) **Contempt of court**, Devender, Gouda Quint.
- Miller, C.J,) 2000) **Contempt of Court**, London, OUP.
- Triffterer, Otto,(2008) **Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court: observers' notes, article by article**, Beck.
- Phillips, Leroy,) 2001) **Contempt of Court: The Turn-of-the-Century Lynching That Launched a Hundred Years of Federalism**, Anchor.

- Silvia, D’Ascoli, (2007) **Sentencing Contempt of Court in International Criminal Justice: An Unforeseen Problem Concerning Sentencing and Penalties**, Journal of International Criminal Justice 5.
- Schabas, William, (2010) **the International Criminal Court: A Commentary on the Rome Statute**, OUP.
- Scheb, John M & Scheb, II John M, (2012) **Criminal Law**, Wadsworth, Cengage learning.

B) Reports

- Contempt of Court and Reprimands, 15 LRTWC (965 –1039), 1949.
- International Law Commission (ILC), Working Group Report, 1993.
- International Law Commission (ILC), Final Report, 1994.
- Preparatory Committee for ICC, Report, Vol. I, 1996.
- Preparatory Committee for ICC, Report, Vol. II, 1996.
- Proposal submitted by the United States on offences against the integrity of the Court, UN Doc.A/ AC.249/WP.41, fn. 3.
- Report of the Working Group on Procedural Matters, UN Doc. A/CONF.183/C.1/WGPM/L.2/ Add.7.
- Working paper submitted by Australia and the Netherlands, UN Doc. A/AC.249/L.2.

C) Cases

- Brđanin (IT-99-36-R77), Order Instigating Proceedings against Milka Maglov, 8 May 2003.
- Brđanin (IT-99-36-R77), Decision on Motion for Acquittal Pursuant to Rule 98 bis, para. 15.

جرائم علیه اجرای عدالت کیفری در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی / ۱۱۹

- Cf. Nuclear Tests Case (Australia v. France), Judgment of 20 December 1974, ICJ Reports 1974, 259- 260.
- Cf. Case Concerning to the Northern Cameroon, Judgment of 2 December 1963, ICJ Reports 1963.
- Decision on the Prosecution's Urgent Request for Variation of the Time-Limit to Disclose the Identity of Intermediary 143 or alternatively to Stay Proceedings Pending Further Consultations with the VWU.
- Hartmann (IT-02-54-R77.5), Order in Lieu of an Indictment on Contempt, 27 August 2008.
- Judgment on Allegations of Contempt Against Prior Counsel Milan Vujin, Tadic (IT-94-1- A-R77), Appeals Chamber, 31 January 2000, x 24.
- Judgment on Contempt Allegations, Beqa Beqaj (IT-03-66-T-R77), Trial Chamber, 27 May 2005, x 13.
- Judgment on Contempt Allegations, Jovic (IT-95-14/2-R77), Trial Chamber, 30 August 2006, x 11.
- World War II Collections, Trials of War Criminals Before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10 (Green Series) October 1946-April 1949: US v. Karl Brandt, 27 June 1947, at 968-970; US v. Joseph Altstoetter, 17 July 1947, at 974 to 975, 978, 992; and US v. Alfred Krupp von Bohlen und Halbach, 21 January 1948, at 1003, 1005, 1006, 1008, 1011.

D) Codes

- Allied Control Council Law No 10 of 20 December 1945
- Criminal Code of Finland, 39/1889, amendments up to 940/2008
- International Criminal Court (Consequential Amendments) Act, No. 42, 2002, Australia
- International Criminal Court Act 2002, UK

۱۲۰ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

- International Crimes and, International Criminal Court Act 2000, New Zealand
- Rules of Procedure and Evidence of the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, Rule 77(C) (ii)
- Sought Africa Penal Code, 2004.

